

مدیرعامل ستاد دبه استان اصفهان:

زندانیان جرائم غیر عمد چشم انتظار کمک‌های ماهستند



اصفهان امروز: ستاد دبه استان اصفهان، در ماه مبارک رمضان امسال، پانزدهمین سال فعالیت خود را جشن می‌گیرد این ستاد که برای حمایت از زندانیان جرائم غیرعمد فعالیت می‌کند، به دنبال آن است تا بهترین شرایط را برای آزادی این زندانیان فراهم آورد و آنها بار دیگر به آغوش خانواده بازگردند. مصطفی کیشانی، مدیرعامل ستاد دبه استان اصفهان نیز همزمان با ماه مبارک رمضان که ماه مهربانی و عطوفت است، خبرهای خوشی از فعالیت‌های ستاد دبه استان دارد. او با تأکید بر اینکه ستاد دبه استان اصفهان در سال ۸۰ راهاندازی شده است، می‌گوید ستاد دبه استان اصفهان در حالی امسال پانزدهمین سال فعالیت خود را جشن می‌گیرد که تاکنون بیش از پنج هزار نفر زندانی جرائم غیر عمد را از بند زندان آزاد کرده است. به گفته او، این زندانیان شامل زندانیان حوادث کارگاهی، تصادفات منجر به فوت یا جرح، زندانیان مهریه‌های معقول و نطقه و همچنین چک‌هایی غیر از کلاهبرداری می‌شوند که توانسته‌اند با کمک خیرین و حمایت ستاد دبه استان اصفهان، به آغوش خانواده بازگردند. آنگونه که مدیرعامل ستاد دبه استان اصفهان می‌گوید کمک‌های مردمی برای آزادی زندانیان جرائم غیر عمد در سال‌های اخیر رشد چشمگیری داشته به طوری که سال به سال بر میزان این کمک‌ها اضافه شده و توانسته تعداد زیادی از زندانیان را آزاد کند. کیشانی همچنین با بیان اینکه در سال گذشته بیش از شش میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان از سوی مردم خیر و بزرگوار استان اصفهان به ستاد دبه کمک شده است، ادامه می‌دهد: با همین کمک‌های مردمی موفق شدیم در سال گذشته ۲۴۰ نفر از زندانیان جرائم غیر عمد را از زندان آزاد کنیم. او البته یک خبر خوب دیگر هم می‌دهد و آن اینکه در سه ماهه نخست سال جاری حدود ۱۳۰ زندانی جرائم غیر عمد از زندان‌های استان اصفهان آزاد شده و به کانون گرم خانواده بازگشته‌اند. مدیرعامل ستاد دبه استان اصفهان به یک موضوع دیگر هم اشاره می‌کند. او می‌گوید یکی از بزرگترین افرادی که به منظور آزادی زندانیان نیازمند به ستاد دبه کمک می‌کنند، خود شاکیان هستند که با گذشت بزرگوارانه و خیرخواهانه‌ای که دارند، بیشترین تخفیف را به زندانیان ارائه می‌کنند تا زمینه آزادی آنها فراهم آید. کیشانی در بخش دیگری از صحبت‌های خود همچنین به تأثیر گذاری برنامه تلویزیونی «یک شهر ضیافت» اشاره می‌کند و می‌گوید این برنامه در طول سه سال گذشته که طی ماه مبارک رمضان به روی آنتن رفته، فرهنگ‌سازی بسیار خوبی را در سطح جامعه ایجاد کرده است. به گفته او، «یک شهر ضیافت» فقط به ماه مبارک رمضان محدود نشده و در طول سال، خیرین و نیکوکاران ارجمند با مراجعه مستقیم به ستاد دبه، کمک‌های خود را به زندانیان جرائم غیر عمد ارائه می‌کنند. آنگونه که مدیرعامل ستاد دبه استان اصفهان می‌گوید برنامه‌ریزی‌هایی انجام شده تا در هر فصل، یک جشن گلریزان در سطح استان اصفهان و تمامی شهرستان‌های تابعه برگزار کنیم تا با حضور پر پرکت خیران، زندانیان جرائم غیر عمد نیز طعم آزادی را بچشند. آنگونه که او می‌گوید، هم‌اکنون حدود ۷۰۰ نفر از زندانیان جرائم غیر عمد در زندان‌های استان اصفهان به سر می‌برند و منتظر کمک‌های خیران هستند. کیشانی همچنین به فرا رسیدن ماه مبارک رمضان اشاره می‌کند و می‌گوید: ماه مبارک رمضان، ماه مهربانی، عطوفت و دستگیری از نیازمندان است؛ به یقین در این ماه، درهای رحمت الهی باز است و با تفاسیری که فضیلت‌های ماه مبارک رمضان دارد، قطعاً مردم هم بیشتر ترغیب می‌شوند که به نیازمندان کمک کنند.

اصفهان امروز



یکشنبه ۲۳ خرداد ۱۳۹۵ / سال دوازدهم دوره جدید / شماره ۲۶۸۹

محمد رضا و ماهان در آغوش پدر به خواب رفتند

روایتی از دیدار پدر و فرزندان پس از دو ماه دوری

بغضی که ترکید

به کودکانمان یاد بدهیم زندانی نشوند



حال و هوای این روزهای زندانیان جرائم غیر عمد

اینجا فردی فرو می‌ریزد...

اَللّٰهُمَّ فُكِّ كُلَّ اَسِيْرٍ .



ضيافت يك شهر ضيافت

با حضور مردم نوع دوست و نیک اندیش شهر مهربانی و امید (اصفهان) برنامه ها:

۱. استیج شبانه با هنرمندی هنرمندان خلاق (نمایش، موسیقی، تقلید صدا و ...) و مجریان توانمند تلویزیون و چهره های محبوب
۲. بازارچه مهربانی/ با حضور مشاغل مختلف
۳. حلقه های معرفتی/ با حضور اندیشمندان حوزه
۴. پاتوق های هنری/ با حضور هنرمندان شاخه های مختلف
۵. قرعه کشی و اعطای جوایز
۶. جشن گلریزان با هدف آزادی زندانیان جرایم غیرعمد و کمک به خانواده نیازمند زندانیان

صاحبان محترم کسب و کار

جهت اجاره غرفه و حضور در "بازارچه مهربانی"

با شماره ۰۹۱۳۹۲۲۶۹۰۳ (آقای میلاد شریف منش) تماس حاصل فرمایید.

ابعاد غرفه ها ۳۰۲ متر پیش بینی شده و در صورتیکه غرفه دار محترم نیاز به متر اژ بیشتر داشته باشد امکان واگذاری وجود دارد.

امکانات غرفه ها:

(اسپیس، کف و دیوار پشت برزنت، جداکننده ام دی اف، میز، صندلی، لامپ و پرزنتابولوی سردر)

گزارش این جشن هر شب در برنامه پر مخاطب "یک شهر ضیافت" به مدت پنج دقیقه پیش از افطار و به مدت ۳۰ دقیقه قبل از ساعت ۱۲ شب از شبکه اصفهان پخش خواهد شد.

مکان: باغ غدیر اصفهان

زمان: از سوم ماه مبارک (پنجشنبه) تا پایان تعطیلات عید سعید فطر

مجری طرح:

انجمن حمایت از خانواده نیازمند زندانیان اصفهان



برنامه تلویزیونی یک شهر ضیافت

شرایط کلی حضور اسپانسر در برنامه "یک شهر ضیافت"

زمان پخش برنامه: ماه مبارک رمضان ۱۳۹۵

ساعت ۱۸/۴۵ تا ۲۰/۳۰

از شبکه اصفهان

کل زمان حضور اسپانسر در برنامه: ۱۴ دقیقه

۱. تولید و پخش رپرتاژ آگهی (معرفی موسسه اسپانسر - تصویربرداری در محل) با پیوست فرهنگی و پخش در برنامه به مدت پنج دقیقه .
۲. حضور مدیریت مجموعه اسپانسر و یا یکی از مدیران درجه ۲ به پیشنهاد مدیریت. روی استیج برنامه و گفتگوی زنده با مجری به مدت هشت دقیقه
۳. نمایش پرچم ایستاده اسپانسر در کنار پرچم برنامه. پرچم جمهوری اسلامی و پرچم های نهاد های مرتبط با دستگاه قضا. روی استیج به عنوان نماد هویتی اسپانسر.
۴. حضور نام برند و شخص مدیریت مجموعه اسپانسر در تیتراژ پایانی برنامه (همان برنامه)
۵. حضور در سایت برنامه در بخش حامیان برنامه. اختصاص یک صفحه اختصاصی در سایت و لینک به سایت اصلی.
۶. حضور در اپلیکیشن برنامه در بخش حامیان.
۷. امکان ایفای نقش در حوزه مسئولیت اجتماعی و کمک به آزادی مددجویان غیر عمد و یا خانواده نیازمند زندانیان و اعلام این مساعدت در پخش زنده با هدف گسترش محبوبیت اجتماعی برند اسپانسر.
۸. حضور ۴ نفر از کارکنان و خانواده اسپانسر در بخش مدعوین و حاضرین در استودیوی برنامه.
۹. پذیرایی افطار از جمع خانواده اسپانسر حاضر در برنامه در کنار سایر مدعوین برنامه.
۱۰. تبلیغات محیطی در راه ورودی استودیو. فضای افطار و فضای جشن شبانه با ابعاد ۳۰۲ متر به تعداد مجموعاً ۴ پتر .
۱۱. حضور لوگوی اسپانسر در پس زمینه پتر مصاحبه مردمی در آیتم پشت صحنه برنامه.
۱۲. چاپ یک صفحه بزرگ از خدمات اسپانسر در ویژه نامه روزچاپ " یک شهر ضیافت" با تیراژ تقریبی پنج هزار نسخه و توزیع گسترده در جامعه مخاطب.

جهت اعلام آمادگی و عقد قرارداد با مدیر مالی برنامه

(آقای میلاد شریف منش) تماس حاصل فرمایید.

۰۹۱۳۹۲۲۶۹۰۳



www.1sz.ir



هدیه خیران و نیکانديشان «یک شهر ضیافت» به یک خانواده

محمدرضا و ماهان در آغوش پدر به خواب رفتند

شد؛ پاتوی در بستر بیماری هم التگویی به نیت شفا هدیه کرد و همین موضوع مجری برنامه را به یاد حضور استاد اکبر عبدی انداخت که سال گذشته در برنامه حاضر شد و مبلغی هم یاری رسان شد و اما امسال در بستر بیماری است؛ همه یک شهر ضیافتی ها دست به دعا شدند برای بازگشت سلامتی این هنرمند محبوب و دوست داشتنتی.

حضور فعال خیریه‌ها باز هم مشکل گشا شد

خیریه کوثر مبلغ دو میلیون تومان را به مددجوی حاضر

دوری پدر را از دل آنها ببرد.
افزایش ۵۰ درصدی آزادی زندانیان غیر عمد
مدیرعامل ستاد دیه شعبه اصفهان که میهمان شب چهارم برنامه تلویزیونی «یک شهر ضیافت» بود، از تولد ۱۵ سالگی این ستاد در ماه مبارک رمضان خبر داد و گفت: در مدت این ۱۵ سال، ۵ هزار نفر توسط این ستاد و با کمک خیرین به آزادی رسیدند، ۲۴ نفر در ۳ روز ابتدای ماه مبارک رمضان از بند زندان رها شدند و به آغوش خانواده بازگشتند.



مصطفی کیشانی ابراز امیدواری کرد خیرین با حمایت از ستاد دیه تا پایان ماه مبارک رمضان موفق به آزادی ۱۵۰ نفر شوند و تصریح کرد: ۷۰۰ زندانی جرائم غیر عمد با مبلغ بدهی ۴۰ میلیارد تومان چشم‌به‌راه حمایت‌های خیرین هستند که البته انسان‌های نیکوکار و خیراندیش همواره در حال مراجعه به این ستاد و حمایت از زندانیان نیازمند هستند. وی اظهار کرد: خیرین مهمترین حامیان ستاد دیه هستند، در این میان خیریه امام موسی کاظم (ع) از خدمات بسیاری می‌کند و در این زمینه فعالیت خوبی دارد؛ سال گذشته خیرین حدود ۷ میلیارد تومان به این ستاد کمک کردند تا زندانیان بیشتری آزاد شوند.
کای داه کی گرفته؟! مهریه را جدی بگیرد
در ادامه برنامه گریزی به موضوع مهریه زده شد.

در برنامه هدیه کرد؛ همچنین خیریه الزهرا نیز سه میلیون تومان به پدر محمدرضا و ماهان تقدیم نمود؛ مباحثی مدیرعامل انجمن حمایت از خانواده زندانیان نیز سه میلیون تومان تقدیم کرد؛ وی یکی از میهمانان برنامه است که همیشه خبرهای خوشی به حسن اکیلی می‌رساند؛ حتی نوه وی نیز قلک شکسته بود و دیشب با دست پر به برنامه آمده بود. حاج عباس رازی که یکی از خیرین حاضر در برنامه بود هم یک میلیون و ۱۰۰ هزار تومان را به همراه پوشه‌ای به مجری خونسرد برنامه تقدیم کرد که حواله سفر به کربلای معلی برای ۱۴ نفر از خانواده زندانیان در آن قرار داشت؛ به این ترتیب به زودی ماهان و محمدرضا کربلایی می‌شوند و شاید این سفر پر از معنویت زنگار غم و غصه و

اصفهان امروز: به همت برنامه تلویزیونی «یک شهر ضیافت»، این بار پدر ماهان و محمدرضا به خانه برگشت تا ماهان از این پس در آغوش پدر به خواب برود. «یک شهر ضیافت» در شب چهارم میزبان عبدالله ۳۰ ساله بود؛ مرد جوانی که دو پسر خردسال به نام محمدرضا و ماهان داشت؛ شغل او ساخت و ساز ساختمان بود و یک حادثه و اعتماد بی جا، کار را به ۲۴ میلیون تومان دپه و زندان کشید. زمانی که کارگر ساختمانی که میهمان برنامه، بیمانکار آن بود سقوط می‌کند و مهره کمرش می‌شکند تازه مشخص می‌شود که متأسفانه کارفرما خلف وعده کرده و به جای شش ماه دو ماه کارگران را بیمه کرده و همین موضوع موجب می‌شود تا نه تنها مددجوی شب چهارم «یک شهر ضیافت» برای هزینه‌های درمانی تمام آنچه را داشته بفروشد، بلکه پرداخت دپه هم به عهده وی قرار می‌گیرد و انتهای این داستان ختم می‌شود به زندان.

میهمان برنامه دو ماه بود که فرزندان خردسال خود، پدر و مادر و همسرش را ندیده بود؛ خانواده وی که در برنامه حضور داشتند با دعوت ریش سفید همیشه خوش خبر برنامه به دینار او رفتند؛ ابتدا پدر پیر فرزند زندانی خود را با چشمانی سراسر اشک به آغوش کشید، سپس نوبت به ماهان و محمدرضا رسید؛ صحنه‌ای احساسی که محل برنامه را درنوردید؛ از حسن اکیلی و محمدمامین صادقی تا عوامل برنامه و میهمانان حاضر در برنامه همه چشمانی سراسر اشک داشتند؛ انگار می‌توان میل به آزادی این زندانی را در هوای برنامه نفس کشید.

کای علی! حاج حسن با چشمانی خیس برای شادی ماهان

هر شب رسم بر این است که هنرمند پیشکسوت شهر کتبه‌های فیروزه‌ای با یک «یا علی» بلند به سراغ خیرین می‌رود؛ شب چهارم اما ذکر «یا علی» همراه با بعضی ناگزیر بود. حسن اکیلی از برگزاری مراسم گل‌ریزان در سطح استان خبر داد؛ اتفاقی نو و مبارک که قطعاً موتور محرک آن را می‌توان «یک شهر ضیافت» دانست. حسن اکیلی در گوشه گوشه محل برنامه قدم می‌زد، کسی او را صدا می‌کرد و خبر خوشی می‌رسید؛ از کودکی که قلک شکسته بود و مبلغ ۵۰۰ هزار تومان آورده بود تا پدر بزرگ و مادر بزرگی که قیش حج خود را تقدیم کردند و اینگونه خدا را به خانه خود بردند؛ تماس‌های تلفنی هم هر کدام مبلغی را تقدیم می‌کردند که در همان دقایق ابتدایی مبلغ سه میلیون تومان از نیک اندیشانی که با شماره ۲۲۶۸۳۶۳۶ تماس می‌گرفتند فراهم

همین نزدیکی

حال و هوای این روزهای زندانیان جرائم غیر عمد... اینجا فردی فرو می‌ریزد...

علی رضایی

دستم همه شب به سوی این درگاه است
میهمان توأم خدای من یک ماه است
این دفعه اگر چه پای دل می‌لنگد
بین من و تو فقط دو رکعت راه است



ایستادهم به افقی دور افقی که شاید دست نیافتنی است. گویی سال‌هاست که از من فاصله گرفته است؛ دو سال، پنج سال، نه؛ بیشتر از روز و ماه و سال‌هاست و شاید هم قرن‌هاست که این فاصله را حس می‌کنم. اینجا پای است که ویران شده؛ راستی، چند وقت است که خراب شده؟ نمی‌دانم! کسی چه فروریخت؟! باز هم نمی‌دانم!

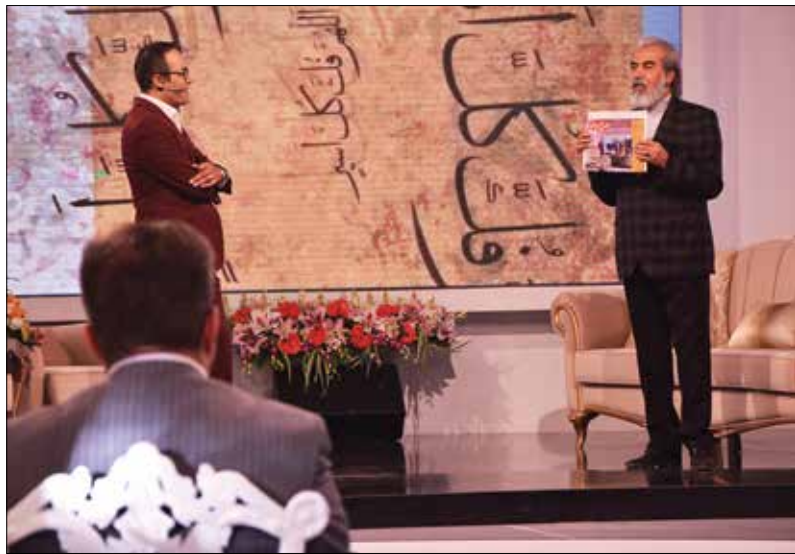
می‌گویند خردم و پیرانش کرده‌ام، ولی یادم نیست چه وقت و چرا دست به انجام چنین کاری زده‌ام. می‌گویند این را وقتی از آن گذشتی، خراب کردی؛ به فکر فرو می‌روم. بله؛ بله؛ یادم آمد من هم زمانی شاباب بودم؛ گلی شاباب و خندان که گاهی شبنمی بر گونه‌اش می‌نشست؛ آسمان خیالم آبی و روشن بود و گرمای مهر پدر و مادر سوزان‌تر از خورشید جنوب.

نهالی بودم که با ورزش نسیمی آشفته می‌شد و رودی بودم که خوشان به سمت دریا می‌رفت. باغی بودم که هوایم بوی بهار داشت و رنگ‌های سبز و زرد و صورتی بود. یک روز، شاپرکی رنگارنگ و فریبا، نظرم را جلب کرد؛ به دنبالش دویدم و این سسو و آنسو در حرکت بودم. غافل از بازی روزگار؛ نمی‌دانم چه مدت طول کشید و چقدر دویدم ولی خسته و ناتوان روی زمین نشستم. غروب بود...

شاپرک گم شد و من سرگردان، مدتی برایش گریستم و حال، افسوس می‌خورم. یادم به نصیحت‌ها و سخنان اطرافیانم افتاد که تو دیگر بزرگ شده‌ای؛ این کارها برای تو خوب نیست؛ چرا دقت نمی‌کنی؟! چه‌بها به دنبال شاپرک می‌دویدی مایوس از خودم پرسیدم: من کی بزرگ شدم؟! چرا خودم نفهمیدم؟ چرا از من نپرسیدند که آیا می‌خواهی بزرگ شوی یا نه؟! فقط می‌دانم از هنگامی که بزرگ شدم، آسمان خیالم آبی نیست و ابرهای گرفته و بارانی، مانع از عبور خورشید می‌شوند. درختی شدم که شاخه‌هایش دست‌خوش هر نسیمی می‌شود و گاهی در برابر طوفان، به زانو درمی‌آید ولی باز هم باید استوار و پا بر جا بمانم چون ریشه در خاک دارم. امروز ندانم شدم که هوایم بوی غم و پاییزی می‌دهد و رنگ‌هایش خاکستری و سیاه و نارنجی است. اما نه...

نگاه‌سخت‌تو مندم شما هم راهان و دستان پر از عطوفت شما، سرزمینی شاباب و زیبا و باغی پر از گل‌های معطر با آواز خوش قمریان و بلبلان شاد را نوید می‌دهد آری؛ سرزمینی که خورشیدش فروزون و هوایش بهاری است.

یک دسته‌ابر، آینه در چشم‌های توست
هفت آسمان سبز دعایم برای توست
ای آخرین نهایت امن جیب من
اینجا کسی نشسته که رنگ دعای توست



میهمان «یک شهر ضیافت» باشید

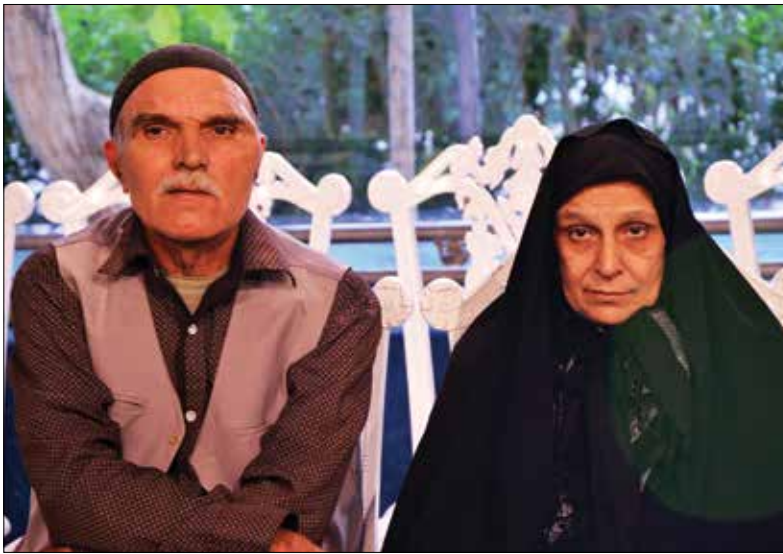
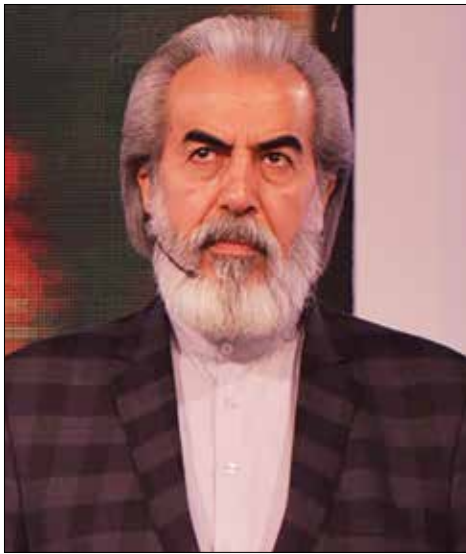
علاقمندان به حضور در استودیو
«یک شهر ضیافت» و تقدیم هدایای خود
برای آزادی زندانیان جرائم غیر عمد به صورت
حضور، می‌توانند با شماره تلفن

زیر تماس بگیرند:
۰۳۱ - ۳۲۶۸۳۶۳۶
www.1zs.ir



شماره تماس‌های

- ستاد دیه
- استان اصفهان
- ۳۲۳۶۳۲۳۴
- ۳۲۳۴۲۲۱۹
- ۳۲۳۴۲۲۲۰
- ۳۲۳۴۳۶۱۵



شماره حساب‌های ستاد دیه استان اصفهان

- بانک ملی: ۰۱۰۵۵۰۶۳۷۰۰۰۷
- بانک ملت: ۴۸۴۴۵۶۲/۶۶
- بانک تجارت: ۶۸۲۰۷۴۵۷۴
- بانک صادرات: ۰۱۰۲۶۷۹۳۶۶۰۰۷



گپ و گفتی با محمدرضا نریمانی، هنرمند و بازیگر پیشکسوت اصفهان

به کودکانمان یاد بدهیم زندانی نشوند



■ در یکی دو سال اخیر شاهد آن هستیم که کمپین‌هایی با همت هنرمندان و افراد مشهور جامعه برای کمک به نیازمندان شکل گرفته است؛ آیا در این کمپین‌ها مشارکت داشته‌اید؟

بله؛ اتفاقاً تشکیل این کمپین‌ها کار بسیار زیبا و جذابی است. خودم در یک ماه گذشته به سه کمپین پیوسته‌ام تا بتوانم زندگی بهتر و توام با آرامش را در بین مردم ترویج کنم. یکی از این کمپین‌ها، «سالمندی، فصل جدید زندگی» بود که به همت شهرداری برگزار شد. در این برنامه، سالمندان را در یک پارک گرد هم آورده بودند و لحاظ شاد و با نشاطی را برایشان خلق کردند. جالب آنکه این سالمندان که تا پیش از این برنامه فکر می‌کردند به آخر زندگی رسیده‌اند، دچار افسردگی شده بودند و بیماری حال و حوصله‌شان را گرفته بود، با اجرای این برنامه شاد و مفرح، واقعاً با نشاط شده بودند و همه غم و غصه و دشواری‌های زندگی را از یاد برده بودند. آن موقع بود که با خودم فکر کردم، چقدر جالب است که با اجرای یک برنامه یک ساعته در پارک، ارتباطی برقرار می‌شود و نشاط در جامعه جان می‌گیرد. خوب، کمپین‌های دیگری هم هستند که واقعاً می‌توانند در زندگی مردم اثرگذار باشند. یکی از این کمپین‌ها می‌تواند کمک به آزادی زندانیان جرائم غیر عمد باشد که جامعه را نسبت به آزادی آنها حساس می‌کند.

■ آقای نریمانی؛ شما در نقش یک معلم سال‌ها به آینده‌سازان کشورمان آموزش داده‌اید. چقدر نقش آموزش را برای گرفتار نشدن در دام بلاهای انسانی و مخاطرات زندگی روزمره موثر می‌دانید؟

طبیعی است که آموزش نقش بسیار زیادی دارد. اگر آموزش نباشد، اتفاقات بدی می‌افتد. اگر من بدانم که چه کاری نباید بکنم، قطعاً در درس گرفتار نمی‌شوم. اگر کشوری می‌خواهد پیشرفت کند، باید آموزش را جدی بگیرد. یکی از جامعه‌شناسان برجسته دنیا گفته که اگر می‌خواهید ببینید یک کشور در حال پیشرفت و توسعه است، به مراکز صنعتی آن کشور مراجعه نکنید، بلکه به مدارس آن مراجعه

سعید ابوالقاسمی | «زندانی نشدن نیازمند آموزش است». این بخشی از صحبت‌های محمدرضا نریمانی، هنرمند و بازیگر پیشکسوت اصفهانی است که در پشت صحنه اجرای برنامه تلویزیونی «یک شهر ضیافت» و در گفت‌وگو با «اصفهان امروز» مطرح می‌کند. او که دیگر به یکی از ریش‌سفیدان هنر اصفهان تبدیل شده، با سوابقی که در حوزه هنر و تعلیم و تربیت دانش‌آموزان در مدارس دارد، معتقد است باید روش‌های صحیح زندگی کردن را در مدارس و خانه به کودکان آموزش داد تا در آینده، جامعه‌ای سالم و پر زیبایی داشته باشیم. آنچه در ادامه می‌خوانید، گپ و گفت کوتاهی است که با محمدرضا نریمانی در پشت صحنه برنامه تلویزیونی «یک شهر ضیافت» انجام داده‌ایم.

۶۶

■ شما به یکی از ریش‌سفیدهای جامعه هنری اصفهان تبدیل شده‌اید و حد توان خود سعی کرده‌اید به نیازمندان کمک کنید. چرا پا در چنین مسیری گذاشتید؟

من اعتقاد دارم وظیفه هر انسانی است که در حیطه کاری خود، در محله، شهر و کشور خود، تحت هر شرایطی موثر باشد و کاری که از دستش بر می‌آید را انجام دهد. من اگر هنرمند نبودم، اگر معلم نبودم، باز هم قلباً دوست داشتم به افرادی که نیاز به کمک دارند، کمک کنم. اگر حرف من، پول من، فکر من و اندیشه من می‌تواند به افراد کمک کند، قطعاً این کار را انجام خواهم داد چرا که معتقدم زنده بودن به این نیست که انسان بخورد و بیاشامد و بخوابد؛ بلکه زنده بودن یعنی اثرگذار بودن. بدون شک، فردی زنده است که بتواند کار مفیدی انجام داده باشد.

این روزها هم به شدت نیازمند آن هستیم که افراد توانمند وظیفه اصلی خود را ایفا کنند؛ این وظیفه هم چیزی نیست جز اینکه در هر کاری که انجام می‌دهند، گره از کار مردم باز کنند؛ به ویژه اینکه امروزه مردم بیشتر نیاز به کمک

کنید که بچه من، همان می‌شود که من هستم، نه آنچه که من می‌خواهم باشد. بچه‌های امروز، آن چیزی می‌شوند که می‌بینند و می‌شنوند و حس می‌کنند. کودک من امروز می‌بیند که من دروغ می‌گویم؛ پس او هم به دروغ گفتن روی می‌آورد. او می‌بیند که مادر از حجابش غفلت می‌کند، او هم به همین کار روی می‌آورد. زمانی که از او سوال می‌پرسم که چرا چنین کاری انجام می‌دهی، می‌گوید وقتی پدر و مادرم چنین کاری را انجام می‌دهند، من هم این کار را می‌کنم. بنابراین توجه داشته باشید که این روزها نیاز داریم که آموزش‌های عملی را در جامعه ترویج کنیم.

■ البته به نظر می‌رسد همه آموزش‌ها هم نمی‌توانند در مدارس ارائه شود؛ گاهی باید در جامعه هم آموزش‌هایی را به افراد ارائه کنیم.

بله؛ حرف شما دقیقاً درست است. تصور کنید من حین راه رفتن در خیابان سیگار می‌کشم؛ در همین هنگام کودکی مشاهده می‌کند که من در حال کشیدن سیگار هستم؛ او هم یاد می‌گیرد و میل به استعمال سیگار را پیدا می‌کند. البته باید توجه کنیم که در شرایط کنونی، دیگر آموزش نصیحتی نمی‌تواند تأثیرگذار باشد. بلکه آموزش‌های عملی برای ما بسیار مهم‌تر هستند. توجه

کنید و ببینید کودکان را چگونه آموزش می‌دهند. این جمله بسیار مهمی است. چرا که چگونه آموزش دادن و روش آموزش بسیار اهمیت دارد. کودکان ما از همین حالا باید متوجه شوند که کدام کار خطا است و کدام کار شایسته؛ من سال‌ها در مدارس اصفهان تدریس کرده‌ام و دیدم که برخی از بزرگاری‌ها در سنین سوم ابتدایی اتفاق می‌افتد. بارها و بارها مشاهده کرده‌ام که بچه کلاس سوم شروع کرده به سیگار کشیدن. خوب، این بچه‌ها باید کجا آموزش ببینند؟ مشخص است که خانه و مدرسه بهترین مکان‌ها برای ارائه آموزش به آنها هستند.

شماره تلفن برنامه تلویزیونی
یک شهر ضیافت
۰۳۱ - ۳۲۶۸۳۶۳۶
www.1zs.ir
آدرس کانال تلگرام:
[@ziafat95](https://t.me/ziafat95)



